

# رفاندم چرا و چگونه؟

آقای مهندس عباس امیرانتظام عضو شورای رهبری جمهوری ملی ایران با توجه به موضع گیریهای جمهوری ملی از سال ۱۳۷۷ دارای بر لزوم انجام یک همه پرسی بنیادین در راستای اسنقرار حاکمیت ملی به معنی رسیع آن برای سپردن حق تعیین سرنوشت و حق نظارت در تمامی زمینه ها و همه ارگانها و مسئولیت ها به ملت و نفع هر گونه ساختار انتصابی و ناظرت استصوابی و نکره بر حکومت هاداری عراق که همواره با ایران دشمنی ورزیده و ارتش آن در خرمشهر و سرتاسر خوزستان و غرب کشور، از هیچگونه عملیات تجاوز کارانه و کشتار و غارت و تخریب کوتاهی نکرده است، آنقدر سنگ حمایت به سینه بزنیم که دشمنی امریکا را با خود دو چندان سازیم و متهم به دخالت در آن کشور شویم؟

الف- ۱) چرا رفاندم (همه پرسی)؟

وفراندم یک شیوه و روش مراجعه به آراء عمومی و اعمال دموکراسی مستقیم در جهت شناسائی و حق تعیین سرنوشت و احترام به حق حاکمیت مردم میباشد. این حق در پیش اسنادین بین المللی مجهون مشور سازمان ملل - اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملتها، اعلامیه جهانی حقوق پسر، ميثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ميثاق بین المللی حقوق اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، پروژه قوانین و حقوق عام مربوط به ازادی و علم تعیین در زمینه حقوق سیاسی، مشور حقوق و نکالیف اقتصادی، قطعنامه های سازمان ملل، رویه دولتها و قوانین اساسی ملل متمدن، افکار عمومی، نهادهای جامعه مننی جهانی، به رسیمات شناخته شده است.

ب- ۱) ضررورت مراجعة به همه پرسی؟

مفهوم ابدی از قوانین بشری وجود ندارد و مردم پیوسته حق دارند قانون اساسی خود را مردم باز نگری قرار داده و یا اثرا اصلاح کرده یا کلا تغییر دهنند. هیچ نسلی نمیتواند نسلهای بعدی خود را ملزم و تابع قوانین خود سازد. (اصل ۲۸ اعلامیه حقوق پسر و شهرنش) ۲۴ زرشن ۱۹۷۳ و نیز ساختار اقای خمینی در بهشت زهر امسال ۱۳۵۷. ملت ایران به دنبال انقلاب سال ۱۳۵۷ از طریق رفاندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ حق طبیعی و مشروع خود در انتخاب نظام سیاسی و حق تعیین سرنوشت را به اجرا گذاشت. با گذشت بیش از ۲۴ سال از آن حضور تاریخی، بافت جمعیتی ایران بکلی دگرگون شده و نسل جوان آگاه و هوشمند و علاقمند به حاکمیت ملی اکثریت جمعیت ایران را تشکیل میدهند. این سرمایه عظم انسانی و پشتونهای مستحکم حاکمیت ملی در وعده گاه تاریخی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ حضور نداشت. از طرف دیگر شرکت کنندگان در رفاندم سال ۱۳۵۸ تجربه و شناخت امروز خود از ظرفیتها و قابلیتهای قانون اساسی را نداشتند. از اینمر مراجعت به همه پرسی در راستای احترام به حق حاکمیت مردم و فراهم کردن زمینه های مشارکت فعل مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است و توان و قابلیتهای ملی را برای ایجاد همگستگی بیشتر و تقویت پایه های حاکمیت ملی بسیج نموده، تمامیت ارضی، استقلال و پکارچگی کشور ایران را در مقابل عوامل نهایی کننده و اسیب رسان یقه میکند.

ب- ۲) چرا امروز (اکنون)؟

۱- مردم ایران و بخصوص نسل جوان که حضور فعال آن در زندگی سیاسی موجب شادابی و پویایی جامعه میباشد و حتی مقامات و مسئولان نظام بیانات و بهشیوه های مختلف ضرورت انجام اصلاحات عمیق و سازانه برای رفع مشکلات اساسی جامعه و رفع موانع توسعه پایدار مستمر را موردن تأکید قرار داده اند. از انجا که کارشناسان، صاحب نظران و نظریه پردازان مسائل اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرنگی، نسبت به قابلیت و توانمندی ساختار سیاسی و نهادهای تعریف شده در قانون اساسی، نظرات متفاوتی ارائه داده و تعدادی از کارشناسان حل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی موجود را در توسعه نیاشنی، فرنگی جامعه و مردم با منافع ملی دانیم. ۲- شرایط حساس منطقه که اتکای هرچه بیشتر حاکمیت به آراء، رضایت و اراده مردم و از پیش بردن شکاف بین حکومت و مردم (که محلی برای حضور و مداخله عوامل نهایی نموده است).

۳- شرایط مساعد بجهاتی و حضور فعل افکار عمومی در دفاع از مردم سالاری، صلح جهانی، مقابله با خشونت و تروریسم و پشتیبانی از حاکمیت مردم در مقابل هر کونه مداخله خارجی فرضت تاریخی برای اثبات قابلیتها، توافقنامه و استعداد ملت ایران برای ارائه یک گلوبی ملی در تقویت بینهایی دموکراسی (در منطقه و کاهش حضور فرماندهی نیروهای فرامنه) برای تاثیرگذاری در تصمیم سازیها را فراهم آورده است.

بنابراین برگزاری رفاندم، فرضی تاریخی برای ملت ایران میباشد که با تکه به ارزشها فرنگی و دست آوردهای تاریخی، مناسب ترین الگو برای تحکیم حاکمیت ملی خود را فراهم آورد. همچنین ایجاد امکان همگرایی منطقی در راستای منافع ملی با حاکمیتهای دیگر و تقویت جایگاه سازمان ملل در اینگاه مسئولیت خود از دیگر اولویتها میباشد. هر تا خیری در پاسخگوئی مناسب و منطقی به این ضرورت تاریخی جز تحمل هزینه سنگین به ملت ایران و مردم منطقه نتیجه دیگری در بین خواهد داشت.

همسايگی ما قادر تمندانه حضور دارد و معلوم نیست تا چه مدت در آنجا خواهد داشت. اکنون، با توجه به ناخستین های مردم ایران از حاکمیت کنونی و باسوابق دشمنانگی ها با امریکا و با عنایت به خوی جنگ طلبانه ریس جمهوری آن کشور و نظریات مبهمی که درباره آینده خاورمیانه دارد، آیا درست است که ما به عنوان

هواداری عراق که همواره با ایران دشمنی ورزیده و ارتش آن در خرمشهر و سرتاسر خوزستان و غرب کشور، از هیچگونه عملیات تجاوز کارانه و کشتار و غارت و تخریب کوتاهی نکرده است، آنقدر سنگ حمایت به سینه بزنیم که دشمنی امریکا را با خود دو چندان سازیم و متهم به دخالت در آن کشور شویم؟

مردم کشی های صدام حسين با بمباران های شیمیایی، آثار کشنده اش هنوز در جوانان ایرانی بازمانده از جنگ هشت ساله نمودار است، و هر چندگاه پیکرهای به خاک ناسپرده سریازان شهید و روشنید مادر جنگ دسته دسته بسوی کشور سازیز میباشد. مابراز عراق پیش از حد گریان چاک می زنیم و نوحه سرایی می کنیم. از یک سو، شش سال از هشت سال جنگ با عراق را بیهوده ادامه دادیم و اندیشه تسخیر بغداد و جاهای دیگر را در سر می پروراندیم، از سوی دیگر، اکنون در پشتیبانی از آن کشور چنان زیاده روی می کنیم که به امریکا، که به هیچ ضابطه ای پای بند نیست و چندین بار ایران را محور شرارت خوانده، برای آسیب رساندن به کشور خود بهانه هیم. هواداری برخی دیگر از کشورها از عراق بر سر منافع خود و به علت رقابتی است که برای بهره برداری خود با امریکا دارند، نه به علت دلسوزی برای مردم عراق. بنابراین، ما هم باید فقط به مصالح و منافع ملی خود پیندیشیم و آنها را فدای هیاهوی ناعقالانه نسازیم. ملت شر اقتضان ایران،

ما با کمک رسانی به ملت عراق و دلسوزی نسبت به ستم هایی که بر سر شان رفته است موافقیم و آنرا وظیفه اخلاقی و بشر دوستانه خود می دانیم، ولی بر این باوریم که این موضوع نباید به گونه ای نمایش داده شود که، خدای ناخواسته، بر سر ما همان آید که بر سر عراق آمد. ما در حالیکه هر گونه تجاوز نظامی به ایران را محاکوم می کنیم، اعلام می داریم که با هیچ کس سر جنگ ندادیم، و باید از سر نوشت صدام حسين و رجز خوانیهای بیهوده او عبرت بگیریم و پای جنگ را به ایران نکشیم.

با در نظر گرفتن کلیه عوامل موجود و اوضاع و احوال کشور و زوچیه ملت ایران، دیدگاه خود را به شرح زیر اعلام می کنیم و ایفای وظیفه ملی خود را به ملت ایران گوشزد می نمایم:

۱- امریکا سیزی و احتمالاً دخالت ناجا در امور عراق را، در شرایط حساس کنونی، با منافع ملی ایران همسو نمی دانیم.

۲- ما باور داریم که ساختار کنونی حکومت ایران بايد بوسیله یک همه پرسی تغییر یابد و دموکراسی و مردم سالاری راستین در کشور برقرار شود.

۳- ما باور داریم که برپایه یک دیلماسی خردمندانه و پویا در شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ائتلاف حاکم بر عراق، باید کوشش شود تا نسبت به تعیین میزان غرامت تجاوز عراق به ایران، که هم از سوی دیگر کل سازمان ملل متحده تایید شده و هم تمامی اعضای دائمی شورای امنیت به آن اشاره و باور داشته اند، اقدام فوری صورت گیرد.

ما بایم آن داریم که اگر زودتر از فرارسیدن رویدادهای اجتماعی خطرناک، در اندیشه تجدیدنظر در روند اوضاع و ترتیبات حکومتی نباشیم، فرصلت از کف به در رو و پیشمانی را سودی نباشد.

هیئت اجرایی، هیئت رهبری، هیئت اجرایی و هیئت رئیسه شورای مرکزی جمهوری ملی ایران: ادب برومند، مهندس عباس امیرانتظام، دکتر داود هرمidas باوند، مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی، غلامرضا رحیم، مهندس کورش زعیم، دکتر خرسرو سعیدی، حسین شاه حسینی، تیمسار بازنشسته ناصر فربد، منوچهر ملک قاسمی، هرمز ممیزی، مهندس نظام الدین موحد، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی مoid زاده، دکتر پرویز ورجاوند.

تهران: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۲